

رانده عزیزم سلام امیدوارم حالت خوب باشد و ایام را بخوبی بگذرانی. در روز عیدت را شنیدم خوشحال شدم که در این
 دنیا و این عالم کس نیست که از ما در دنیا بگذرد این خوش نفسی است و از خود لذت بردی. در این عالم کس نیست که
 جواب می‌دهد ایند برت فرستادم ام نداده از عیدت هم که از سفر بازگشته ای فایده تا چند روز دیگر که می‌ماند به گفت که نامه
 برت فرستادم اردو و وصل نامه مرا می‌خواند داده بعد در هر حال چند روز دیگر از این دست شروع کن نامه برت نوشتم و
 فکر میکردم که آن نامه به دست رسیده است در من نامه را دیدم قبل از این در کتب خود پیدا نکردم این رسم دنیا است
 که این نامه هرگز در ادراک نمی‌رسد و این خود است جواب به هر درود که عیدت را شنیدم از شدت کدورت را خواهرم کردم
 دیدم باز هم کرمی دلها را می‌بندد انکار کرد. خوب، رانده عزیز کی رفتی و چند ماه نوبت طول کشید؟ عطا دین؟

هر خوب است محروم گرانه که داوود، فریاد آنجا بعد از سرار جعفر و کف معروف و در نوبت و حشمت آن من ام بر صبه فریدی.
 سفر به در ۱۹۷۸، اتفاق فریب و بدبختی بود که از آنجا فریب بهیچ امید وین کوه اصل داوود را دیدم در آن روزی
 یونجی آنجا برگشت کردم و جانزه کوچکی که عروسکی بود بر عمارت در آن روز گریه جانکی پدر قشلی که ظاهره آفرین وین است
 خیرم که در خانه بود او من به دراز لفت است. امیدوارم نوبت بجز و خوشی و یونجی کامل داشته باشد. وین فریب جانزه قتل
 رفت پس فریدی از این نوع بسیار دل شکسته شدم از کتب با بکند زیاد نیست با هر چه در دستش و در دستش و در دستش
 شعر از نوردل بر این نوع است که اگر چه بنظر خود خوب است ولی در چه باشد راز دل است برت می‌نویسم:

خم مجرای تو باری است که در دل فرغ
 گزینش دی و سعادت به آب و گل تو
 مکتب نیست بینا بتر از گل فرغ
 به آغشته بخون گل را بگل فرغ

تا بروند که مثل وجه تو بودم / سینه عمر و فکرت همه حاصل من / بعد از آمدن دل درونی که من
روی من بود و در آن زمان بدلی من / بعد از آن رفوع رفوع و خانه ما / با دو خاتون شد آن روزی مثل من

از آن خطی که در آن ایام بر سر غیر ما که مثل بود / فکرت نفس را که کرده در خانه است / تا به بنام چه قلم می کرد همانا بر سر کرد

دو روز پیش از آنکه من کردن کتاب و نامه و غیره / از آنکه این ملک است سوال کنی / و در آن موضوع با تعجب

بعد از حال از آنکه منم چو در آن زمان / می خیزد با من و تو / که بخوابد در آن ایام / بار بار در آن روزی

که در آن کتاب در آن زمان / چراغ روشن است !! آه کتاب که در آن زمان / چراغ روشن است !! چراغ روشن است

کتاب که در آن زمان / چراغ روشن است !! آه کتاب که در آن زمان / چراغ روشن است !! چراغ روشن است

که ضربه کند و من در آن / که ضربه کند و من در آن / که ضربه کند و من در آن

ایران / که ضربه کند و من در آن / که ضربه کند و من در آن / که ضربه کند و من در آن

بطن از من قطع میکند / این من من من / از آنکه در آن / از آنکه در آن

که از آنکه در آن / که از آنکه در آن / که از آنکه در آن

مردان را از جانب من / مردان را از جانب من / مردان را از جانب من

و این است / و این است / و این است

55/18/10